

نقش مدل یادگیری خود راهبر در توسعه کارآفرینی از دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی

مرتضی بهنام

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سید جمال فرج اله حسینی

دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سید مهدی میردامادی

دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سحر دهیوری^۱

استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلام شهر

چکیده

در سال‌های اخیر افزایش تخصص‌ها و لزوم وجود تعامل مراکز آموزشی با بازار کار، اهمیت آموزش و یادگیری باکیفیت را دوچندان کرده است. تحقیق حاضر به بررسی نقش مدل یادگیری خود راهبر در توسعه کارآفرینی از دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی پرداخته است. تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی، همبستگی می‌باشد که شیوه اجرای آن به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری موردنظر در این تحقیق کلیه آموزشگران مراکز آموزش علمی کاربردی در استان آذربایجان غربی به تعداد ۳۹۰ نفر می‌باشند که از این تعداد، ۱۲۸ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با انتساب متناسب به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق و توسعه کارآفرینی حاکی از آن است که متغیرهای سن، استمرار و پایداری اشتغال، ایجاد انگیزه، بروز خلاقیت و ایجاد اشتغال با توسعه کارآفرینی رابطه معنی‌داری داشته‌اند. نتایج حاصل از تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از طریق رگرسیون چندگانه حاکی از آن است که متغیرهای ایجاد اشتغال و بروز خلاقیت ۶۱/۳ درصد از تغییرات متغیر توسعه کارآفرینی را تبیین کرده است. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد، آموزشگران با اعمال آموزش‌های صحیح، نگرانی دانشجویان را از شکست در راه‌اندازی یک کسب‌وکار از بین ببرند تا فارغ‌التحصیلان با اعتمادبه‌نفس بیشتر در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار اقدام نمایند.

واژه‌های کلیدی: یادگیری خود راهبر، توسعه کارآفرینی، دانشگاه علمی - کاربردی

۱- نویسنده مسئول مکاتبات، Dehyouri.s@gmail.com

مقدمه

یکی از اهداف و وظایف مهم نظام آموزش عالی هر کشور پرورش نیروی انسانی متخصص موردنیاز جامعه است. باوجود تلاش‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تاکنون به علت نامناسب بودن روش‌ها و محتوای آموزش با نیازهای جامعه، دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از کارایی لازم برای تصدی مشاغل مربوطه برخوردار نیستند (یداللهی فارسی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین با توجه به بحران بیکاری و روند رو به افزایش افراد تحصیل کرده از یک سو و مشکلات اجتماعی اقتصادی دولت، نیاز به برنامه‌ریزی درست و هماهنگ از طریق کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای یافته است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). اکثر مراکز آموزش عالی کشورهای پیشرفته، در زمینه آموزش‌های کارآفرینی و پرورش روحیه و مهارت‌های کارآفرینی برای دانشجویان برنامه‌ریزی کرده و یا حساسیت این برنامه را دنبال می‌کنند. در ایران نیز نتایج تحقیقات مختلف گواه بر این است که فقدان آموزش‌های کارآفرینی در آموزش‌های عالی کشاورزی کشور مشاهده شده و یا به نحو مطلوب به اجرا در نمی‌آید (خسروی پور، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، نهادینه کردن برنامه‌های محکم برای یادگیری، نشانگر توجه عمیق به امر آموزش و یادگیری می‌باشد به طوری که یکی از جنبه‌های اصلی آموزش چگونگی ارائه باکیفیت آن است (رئیزی و حمیدی زاده، ۱۳۸۵). آموزش و یادگیری یک بعد ضروری فرآیند توانمندسازی به شمار می‌رود. همچنین، کیفیت آموزش نقش تعیین کننده‌ای در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کند. آموزشگران باید درباره محتوای یادگیری، مدل‌های یادگیری و ماهیت آنچه فرآیند درباره آن بکار رفته است آگاهی داشته باشند.

ضعف آموزش مؤثر در دانشگاه‌ها نه فقط یکی از مهم‌ترین مسائل آموزشی روز در کشور به شمار می‌آید بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را مهم‌ترین چالش آموزشی چند دهه آینده نیز به حساب آورد. نیروی انسانی هر جامعه به عنوان یکی از عوامل توسعه یافتگی در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات می‌باشند، بنابراین ارائه آموزش مفید و مؤثر به آنان در توسعه کشور بسیار مهم می‌باشد (ملک پور و علی احمدی، ۱۳۹۰). در چند دهه اخیر رشد مهارت‌های یادگیری یکی از اهداف اولیه تعلیمات بزرگسالان عنوان شده است. دانش و پژوهش در یادگیری مادام‌العمر به طور گسترده‌ای افزایش یافته است، عملیات و منابع جدیدی برای تسهیل آمادگی برای یادگیری خود-رهبر به منظور کمک به معلمان و یادگیرندگان ارائه گردیده است (Williamson, ۲۰۰۷). در این میان، یادگیری خود راهبر یک شیوه آموزشی است که در مؤسسات و نظام‌های آموزشی پیشرو، به طور روزافزون از آن استفاده می‌شود. یادگیری خود راهبر را می‌توان برحسب میزان مسئولیت‌پذیری فرد یادگیرنده در قبال یادگیری خود تعریف کرد. نولز در اثر معروف خود، خود راهبری را فرایندی در نظر می‌گیرد که در آن دانش آموزان و دانشجویان با کمک یا بدون کمک دیگران به تشخیص نیازها، تنظیم اهداف، شناسایی منابع مادی و انسانی برای یادگیری، انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب

یادگیری و ارزشیابی پیامدهای یادگیری خویش می‌پردازند و ابتکار عمل را به دست می‌گیرند (Fisher et al, ۲۰۰۱).

به منظور استفاده از روش‌های خود راهبر در آموزش، باید میزان آمادگی دانشجویان برای خود راهبری در یادگیری سنجیده شود. این آمادگی عبارت است از میزان برخورداری فرد از نگرش‌ها، توانمندی‌ها و خصایص شخصیتی موردنیاز برای یادگیری خود راهبر؛ بنابراین نیاز به مطالعه و خود انگیزی دانشجویان در دنیای پر تحول کنونی که به یک دنیای دانش مدار تبدیل شده است، ضروری است. در جهان کنونی دانشجویان باید در مطالعه مستقل، خودمختار و در زمینه علم و دانش به روز باشند. خود راهبر بودن دانشجویان، خود نویدبخش صلاحیت‌ها و ویژگی‌های خاص شناختی در آن‌هاست (نادی و سجادیان، ۱۳۸۵). در کشور ما با توجه به مشکلات موجود در برنامه‌های کشاورزی و افزایش بیکاری خصوصاً دانش‌آموختگان بیکار، رویکرد آموزش‌های کشاورزی می‌تواند یکی از راهکارهای ممکن و اثربخش باشد و از طرف دیگر با توجه به ترکیب جمعیتی کشور و اهمیت بخش کشاورزی و با دقت به نتایج تحقیقات انجام شده در خصوص آموزش عالی کشاورزی، برنامه ریزان و مدیران کشور باید به بحث کارآفرینی، توسعه و آموزش آن، خصوصاً در آموزش‌های کشاورزی با عنایت به ویژگی‌های خاص این آموزش‌ها توجه جدی داشته باشند (اسکندری، ۱۳۸۵). نتایج مطالعات شهبازی و علی بیگی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که مراکز آموزش عالی در سطح مطلوب و قابل قبولی از لحاظ کیفی قرار ندارند. از این رو آموزش عالی کشاورزی بایستی برنامه‌های آموزش کارآفرینی را در اولویت قرار دهد و برای این کار لازم است ابتدا عناصر و ویژگی‌های کارآفرینی را شناخت و سپس با جهت دادن به مؤلفه‌های نظام آموزش کشاورزی به سمت کارآفرینی، تحول لازم را در برون داده‌های این نظام از لحاظ کیفی ایجاد نمود.

با بیان تمامی این مطالب می‌توان گفت در مراکز علمی کاربردی در استان آذربایجان غربی بیشتر از روش سنتی و معمول در امر آموزش دانشجویان استفاده می‌شود و دانشجویان روحیه کارآفرینی لازم در این زمینه را ندارند و می‌شود با توسعه آموزش کارآفرینی و استفاده از روش‌های آموزشی توانمند و استفاده از مدل یادگیری خود راهبر، شاهد اثربخشی آن در تمامی زمینه‌ها به طور فزاینده‌ای بود؛ بنابراین، ضروری است جهت ورود به بازار کار، توانایی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی سنجیده شود تا بر اساس آن، برای تقویت آموزش کارآفرینی اقدام گردد. با روند رو به رشد تغییرات مداوم و سریع در علم کشاورزی و ضرورت آمادگی دانشجویان برای یادگیری مادام‌العمر، نظریه یادگیری خود راهبر به طور روزافزون در بافت آموزش دانشگاهی به عنوان یک الزام به کار گرفته می‌شود. دانشجویان کشاورزی در واقع به رشته‌هایی با دوره‌های آموزشی حرفه‌ای گام گذارده‌اند که لازمه موفقیت در این عرصه، به روز بودن دانش و مهارت‌ها و خود راهبر بودن آن‌هاست. یادگیری خود راهبر یک شیوه آموزشی مستقل و مادام‌العمر است که استفاده از آن در آموزش بزرگسالان رو به توسعه است (Cheng et al, ۲۰۱۰).

پیشینه مربوط به یادگیری خود راهبر بیانگر این مطلب است

و معنی‌داری وجود دارد. تحلیل رگرسیون مشخص کرد که خود پنداره و نگرش تفکر انتقادی به‌طور مثبت عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج حاصل از تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که آموزش‌های فوق‌برنامه مرتبط با مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه و محتوای مناسب دروس دانشگاهی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان می‌باشند. همچنین احمدی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود بیان کردند که عوامل آموزش‌های دانشگاهی، آموزشگران دانشگاه، محتوای آموزشی و روش‌های ترویجی اجرا شده در دانشگاه با متغیر ترویج کارآفرینی رابطه مثبت و معنا داری دارد. نتایج تحقیق خسروی پور و همکاران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد آموزشگران مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان را در ۸ عامل روش‌های آموزشی، مدیریت و سازمان‌دهی، محتوای آموزشی، عوامل فردی، امکانات و تجهیزات، ویژگی‌های آموزشگران، ویژگی‌های دانشجویان و عوامل محیطی دسته‌بندی کردند.

Bembentuy (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان داد که بسیاری از دانش‌آموزانی که می‌توانند جنبه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری عملکرد تحصیلی خود را تنظیم کنند، به‌عنوان یک یادگیرنده بسیار موفق بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری خود راهبر پیش‌بینی کننده عملکرد تحصیلی است و یادگیرندگان برای دستیابی به موفقیت تحصیلی، باید یاد بگیرند که چگونه عملکرد خود را تنظیم کنند و اهداف خود را به‌رغم مشکل بودن تکلیف درسی حفظ نمایند. Pao & Wei (۲۰۰۸) در پژوهش خویش بر روی دانشجویان مهندسی نشان دادند که بین یادگیری خود-راهبر و بازده‌های یادگیری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین معتقدند که رشد مهارت‌ها و نگرش تفکر انتقادی خود می‌تواند سطح آمادگی برای یادگیری خود راهبر را در دانشجویان بالا ببرد. همچنین اگر آموزش تفکر انتقادی بخشی از تعلیمات مستمر باشد دانشجویان در امر تحصیل موفقیت کسب می‌کنند. نتایج پژوهش خسروی پور و همکاران (۱۳۸۶) حاکی از آن است که قابلیت‌ها و توانایی‌های مدرسان، تغییر و بهبود محتوای آموزشی، تجهیز مراکز آموزشی، تغییر در نحوه جذب و پذیرش دانشجو و بهبود سازمان‌دهی و تشکیلات مراکز آموزش عالی، ارائه درس کارآفرینی در برنامه درسی، استفاده از مدرسان کارآفرین در کنار مدرسان دروس تخصصی، متناسب نمودن سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی، وجود مدرسان تخصصی به‌صورت ثابت و تمام‌وقت در مراکز، تدوین کتب آموزشی در زمینه کارآفرینی و ارائه آموزش در زمینه کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار کوچک از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر توسعه آموزش کارآفرینی به‌شمار می‌روند. Hsu & Shiu (۲۰۰۵) نشان دادند که آمادگی برای یادگیری خود-راهبر یک عامل قوی در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در موقعیت‌های آموزشی به شیوه سنتی است. نتیجه مطالعه Gallowy et al (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که خود‌بازنگری در برنامه‌ها، محتوای درسی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف آموزشی مراکز آموزش عالی در تبدیل دانشگاه

که یادگیرندگان خود راهبر همواره از مسؤلیت خود در یادگیری معنادار و نظارت بر خویش، آگاهی دارند، آن‌ها به مسائل به دیده چالش می‌نگرند، مایل به تغییر هستند و از یادگیری لذت می‌برند. (Fisher & King, ۲۰۱۰) در واقع خود راهبر بودن یادگیرنده اشاره به ویژگی‌های یک فرد دارد که وی را مستعد قبول مسؤلیت اولیه در قبال تلاش‌های یادگیری فردی می‌نماید.

پرورش یادگیرندگان خود راهبر یک مؤلفه مهم و ارزشمند در تلاش‌های بهبود بخش آموزش است و پرورش این مهم نباید به یک یا دو کلاس محدود شود بلکه باید به فرهنگ آموزش رسوخ کند. یکی از مهم‌ترین وظایف اساتید، افزایش توانمندی دانشجویان و یادگیرندگان برای دستیابی به یادگیری خود راهبر است (Williamson, ۲۰۰۷).

استادان باید به افزایش آگاهی دانشجویان از نقش فردی خویش در فرایند یادگیری توجه ویژه مبذول دارند. دانشجویان نیازمند دریافت آموزش‌های رسمی مربوط به یادگیری خود راهبر و حمایت‌های لازم برای ایجاد مهارت‌های مربوط به آن در خود هستند، بنابراین مهارت‌های یادگیری خود راهبر را می‌توان از طریق برنامه‌ریزی دقیق و گنجاندن آن در دوره‌های درسی ارتقا داد (Newman, ۲۰۱۱). یوسفی و گردان شکن (۱۳۸۹) به نقل از نولز، دلایلی را برای ضرورت و تأکید بر یادگیری خود راهبر برشمرده است که بدین شرح می‌باشد:

دلیل اول این است که شواهد نشان می‌دهد، افرادی که ابتکار عمل یادگیری خود را به دست می‌گیرند (یادگیرندگان فعال) در قیاس با کسانی که به شکل منفعل در کلاس استاد حاضر شده و آموزش‌ها را دریافت می‌نمایند (یادگیرندگان منفعل) چیزهای بیشتری را یاد گرفته و یادگیری بهتری را حاصل می‌نمایند. آن‌ها با هدفمندی و انگیزه بالاتری پای به قلمرو یادگیری می‌گذارند و همچنین در قیاس با یادگیرندگان منفعل از آموخته‌های خود بهتر و بیشتر بهره می‌گیرند. دلیل دوم این است که، یادگیری خود راهبر با فرایندهای رشد روان‌شناختی طبیعی انسان سازگارتر است. در واقع یک بعد اساسی بلوغ، شکل‌گیری توانمندی بر عهده گرفتن روزافزون مسؤلیت یعنی به‌طور فزاینده‌ای خود راهبر شدن می‌باشد. دلیل سوم این است که بسیاری از تحولات جدیدی که در آموزش شکل گرفته، مسؤلیت به دست گرفتن ابتکار و یادگیری را تا حد زیادی بر عهده یادگیرندگان می‌نهد و یادگیرندگانی که بدون برخورداری از مهارت‌های جستجوگری و خود راهبری وارد این برنامه‌ها می‌شوند به همراه استادان خود دچار اضطراب، ناکامی و غالباً شکست خواهند شد. دلیل چهارم که می‌توان اضافه کرد این است که با توجه به دگرگونی‌های سریع در درک دانش، دیگر این واقع‌بینانه نیست که هدف یادگیری را انتقال دانش عنوان کرد، هدف اصلی آموزش و یادگیری در حال حاضر باید ایجاد و شکل‌دهی مهارت‌های پژوهش و جستجوگری باشد (یوسفی و گردان شکن، ۱۳۸۹).

عبدالهی عدلی انصار و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی نشان دادند که بین مؤلفه‌های آمادگی برای یادگیری خود راهبر، نگرش تفکر انتقادی و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت

این تحقیق نیز شامل، نقش مدل یادگیری خود راهبر در ایجاد اشتغال، نقش مدل یادگیری خود راهبر در استمرار و پایداری اشتغال، نقش مدل یادگیری خود راهبر در ایجاد انگیزه، نقش مدل یادگیری خود راهبر در اعتمادبه‌نفس، نقش مدل یادگیری خود راهبر در بروز خلاقیت، ویژگی‌های شخصی پاسخگویان می‌باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق، با توجه به ماهیت پژوهش، جهت توصیف داده‌ها از آماره‌های شاخص مرکزی مانند (میانگین، میانه، نما، فراوانی، درصد) و شاخص‌های پراکندگی مانند (انحراف معیار، واریانس) استفاده شده است. در تحلیل استنباطی این تحقیق از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

یافته‌ها

با توجه به نتایج آمار توصیفی تحقیق، متوسط سن آموزشگران ۴۲ سال می‌باشد که جوان‌ترین آن‌ها ۳۱ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۱ سال داشته‌اند. از نظر سطح تحصیلات، ۶۸/۵ درصد از آموزشگران، با بیشترین فراوانی دارای تحصیلات کارشناسی ارشد می‌باشند و ۳۱/۵ درصد دارای تحصیلات دکتری می‌باشند. بر اساس اطلاعات گردآوری شده ۶۲/۵ درصد از آموزشگران مرد و ۳۷/۵ درصد از آن‌ها زن می‌باشند. سابقه تدریس ۴۰/۲ درصد از آموزشگران، ۲۱-۱۶ سال می‌باشد. کمترین سابقه ۴ سال و بیشترین سابقه تدریس ۲۶ سال است. میانگین سابقه تدریس ۱۸ سال می‌باشد.

دیدگاه آموزشگران در خصوص توسعه کارآفرینی

به‌منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص توسعه کارآفرینی از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که حدود نیمی از آموزشگران (۵۴/۹ درصد)، در خصوص توسعه کارآفرینی نظر موافق دارند. همچنین اولویت‌بندی گویه‌ها بر اساس آماره میانگین نشان می‌دهد که بیشترین دیدگاه آموزشگران در خصوص توسعه کارآفرینی با ضریب تغییرات ۰/۱۲۵، ۰/۱۶۲ و ۰/۱۷۸ به ترتیب شامل جذاب بودن کارآفرینی، مدیریت کار خود و آشناسازی دیگران به فعالیت‌های کارآفرینانه بوده است (جدول ۱).

سنتی به یک دانشگاه کارآفرین ضروری بوده و همچنین نشان دادند آموزش کارآفرینی در افزایش مهارت‌های دانشجویان در خلاقیت، اعتمادبه‌نفس و نیز مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی اثرگذار است.

اهداف تحقیق

هدف تحقیق بررسی نقش مدل یادگیری خود راهبر در توسعه کارآفرینی در زمینه ایجاد اشتغال، استمرار و پایداری اشتغال، ایجاد انگیزه، ایجاد اعتمادبه‌نفس و بروز خلاقیت از دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی می‌باشد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ نوع، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) است و از آنجایی که تلاش می‌کند تا به بررسی روابط متغیرها بپردازد در قالب همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه آموزشگران مراکز آموزش علمی کاربردی در استان آذربایجان غربی هستند. تعداد آموزشگران در این آموزشگاه‌ها، ۳۹۰ نفر می‌باشد که به تفکیک شامل ۱۶۸ نفر در مراکز خصوصی و ۲۲۲ نفر در مراکز وابسته به ستاد مرکزی می‌باشند (N=۳۹۰). به‌منظور محاسبه حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده گردید که ۱۲۸ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار عمده مورد استفاده در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است که دارای هفت بخش اصلی است و همه بخش‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ امتیازی (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد، ۵=خیلی زیاد) مطرح شده‌اند. در این تحقیق به‌منظور سنجش میزان روایی ابزار تحقیق از نظر متخصصان موضوع استفاده شد که پس از انجام بررسی‌های لازم و جمع‌آوری نظرات آنان و اعمال اصلاحات مورد نظر روایی پرسش‌نامه مذکور حاصل گردید. به‌منظور تعیین پایایی ابزار تحقیق، ضریب آلفای کرونباخ در بازه ۰/۷۲-۰/۹۰ محاسبه گردید. متغیر وابسته این تحقیق دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی در خصوص توسعه کارآفرینی که شامل ۷ گویه در مقیاس لیکرت است. متغیرهای مستقل

جدول ۱. اولویت‌بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص توسعه کارآفرینی

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	جذاب بودن کارآفرینی	۴/۴۸	۰/۵۶	۰/۱۲۵
۲	مدیریت کار خود	۴/۴۲	۰/۷۲	۰/۱۶۲
۳	آشنا سازی دیگران به فعالیت‌های کارآفرینانه	۴/۳۲	۰/۷۷	۰/۱۷۸
۴	آشنایی با خطرات موجود در کار	۴/۴۰	۰/۸۲	۰/۱۸۶
۵	پذیرفتن خطر برای بهتر شدن وضعیت مالی	۴/۰۹	۰/۸۲	۰/۲۰۰
۶	احساس رضایتمندی از کارآفرین بودن	۴/۱۷	۰/۹۳	۰/۲۲۳
۷	بیشتر بودن مزایای کارآفرین بودن نسبت به معایب آن	۴/۲۴	۰/۹۹	۰/۲۳۳
طیف ارزیابی: ۱=کاملاً مخالف ۲=مخالف ۳=بی‌نظر ۴=موافق ۵=کاملاً موافق				

دیدگاه آموزشگران در خصوص ایجاد اشتغال

به منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص ایجاد اشتغال از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که متوسط آموزشگران (۵۰/۵ درصد)، معتقدند که، با توجه به مدل یادگیری خود راهبر موارد مطرح شده در حد زیاد در ایجاد اشتغال نقش دارند. همچنین، اولویت‌بندی گویه‌ها نشان می‌دهد که، سه عامل توانایی طرح تجارت مناسب، تسلط بر محیط خارجی و منابع قابل دسترس و توانایی تأمین منابع مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار در خصوص ایجاد اشتغال با ضریب تغییرات ۰/۱۶۵، ۰/۱۷۴ و ۰/۱۷۶ در اولویت اول تا سوم قرار دارند (جدول ۲).

جدول ۲. اولویت‌بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص ایجاد اشتغال

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	توانایی طرح تجارت مناسب	۴/۴۶	۰/۷۴	۰/۱۶۵
۲	تسلط بر محیط خارجی و منابع قابل دسترس	۴/۲۵	۰/۷۴	۰/۱۷۴
۳	توانایی تأمین منابع مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار	۴/۳۱	۰/۷۶	۰/۱۷۶
۴	برخوردار از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و داشتن اطلاعات فنی و مهارت‌های موردنیاز	۴/۲۵	۰/۷۶	۰/۱۷۸
۵	آشنایی با مقررات کسب‌وکار و تجارت	۴/۱۷	۰/۸۲	۰/۱۹۶
۶	توانایی تجزیه و تحلیل موقعیت‌های خویش	۴/۰۲	۰/۹۲	۰/۲۲۸
۷	آشنایی با چگونگی جلوگیری از بی‌نظمی	۴	۱/۰۲	۰/۲۵۵
۸	شناخت توانایی‌ها و ضعف‌های خود	۳/۸۹	۱/۱۲	۰/۲۸۷
طیف ارزیابی: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد				

دیدگاه آموزشگران در خصوص استمرار و پایداری اشتغال

به منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص استمرار و پایداری اشتغال از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیش از نیمی از آموزشگران (۶۵/۸ درصد)، معتقدند که، با توجه به مدل یادگیری خود راهبر موارد مطرح شده در حد زیاد در استمرار و پایداری اشتغال نقش دارند. همچنین، اولویت‌بندی گویه‌ها نشان می‌دهد که، سه عامل قبول مسئولیت نسبت به یادگیری خود، خلاقیت و نوآوری و کسب درآمد در خصوص استمرار و پایداری اشتغال با ضریب تغییرات ۰/۱۳۶، ۰/۱۸۲ و ۰/۲۱۲ در اولویت اول تا سوم قرار دارند (جدول ۳).

جدول ۳. اولویت‌بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص استمرار و پایداری اشتغال

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	قبول مسئولیت نسبت به یادگیری خود	۴/۴۱	۰/۶۰	۰/۱۳۶
۲	خلاقیت و نوآوری	۴/۰۱	۰/۷۳	۰/۱۸۲
۳	کسب درآمد	۳/۷۷	۰/۸۰	۰/۲۱۲
۴	دستیابی به استقلال مالی	۳/۸۳	۰/۹۵	۰/۲۴۸
۵	یافتن اطلاعات ضروری و رد کردن اطلاعات غیرضروری	۳/۷۰	۱/۰۱	۰/۲۷۲
۶	توانایی مقابله با چالش‌ها	۳/۷۶	۱/۲۰	۰/۳۱۹
۷	داشتن قدرت ریسک	۳/۵۲	۱/۲۸	۰/۳۶۳
۸	داشتن مهارت‌های بازاریابی	۳/۵۳	۱/۳۴	۰/۳۷۹
طیف ارزیابی: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد				

دیدگاه آموزشگران در خصوص ایجاد انگیزه

به منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص ایجاد انگیزه از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اکثریت حدود نیمی از آموزشگران (۵۲/۷ درصد)، معتقدند با توجه به مدل یادگیری خود راهبر،

موارد مطرح شده در حد متوسطی در ایجاد انگیزه نقش دارند. همچنین، اولویت بندی گویه ها نشان می دهد که سه عامل خودباوری و هدف محور بودن، آمادگی برای یادگیری و نوگرا بودن در خصوص ایجاد انگیزه با ضریب تغییرات ۰/۲۸۲، ۰/۲۹۱ و ۰/۳۳۵ در اولویت اول تا سوم قرار دارند (جدول ۴).

جدول ۴. اولویت بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص ایجاد انگیزه

اولویت	گویه ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	خودباور و هدف محور بودن	۳/۶۱	۱/۰۲	۰/۲۸۲
۲	آمادگی برای یادگیری	۳/۵۳	۱/۰۳	۰/۲۹۱
۳	نوگرا بودن	۳/۷۰	۱/۲۴	۰/۳۳۵
۴	داشتن قدرت خلاقیت	۳/۴۵	۱/۲۰	۰/۳۴۷
۵	داشتن انگیزه برای گسترش فعالیت های فعلی	۳/۴۷	۱/۲۲	۰/۳۵۱
۶	تجربه های فراگیر	۳/۶۲	۱/۲۸	۰/۳۵۳
طیف ارزیابی: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد				

دیدگاه آموزشگران در خصوص ایجاد اعتمادبه نفس

به منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص اعتمادبه نفس از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که بیش از نیمی از آموزشگران (۶۰/۹ درصد)، معتقدند که، با توجه به مدل یادگیری خود راهبر موارد مطرح شده در حد متوسط در ایجاد اعتمادبه نفس نقش دارند. همچنین، اولویت بندی گویه ها نشان می دهد که سه عامل نترسیدن از شکست در راه اندازی یک کسب و کار، احساس رضایت از خود و داشتن حس خودمختاری و استقلال طلبی در خصوص اعتمادبه نفس با ضریب تغییرات ۰/۲۴۹، ۰/۲۹۳ و ۰/۳۱۱ در اولویت اول تا سوم قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵. اولویت بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص اعتمادبه نفس

اولویت	گویه ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	نترسیدن از شکست در راه اندازی یک کسب و کار	۳/۲۵	۰/۸۱	۰/۲۴۹
۲	احساس رضایت از خود	۳/۲۷	۰/۹۶	۰/۲۹۳
۳	داشتن حس خودمختاری و استقلال طلبی	۳/۵۳	۱/۱۰	۰/۳۱۱
۴	اعتماد به خود و جستجوگر حقیقت بودن	۳/۶۴	۱/۱۶	۰/۳۱۸
۵	چیره شدن بر احساس ناامیدی و یأس	۳/۳۵	۱/۰۹	۰/۳۲۵
۶	آگاهی از ضعف ها و توانایی های شخصی	۳	۱	۰/۳۳۳
طیف ارزیابی: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد				

دیدگاه آموزشگران در خصوص بروز خلاقیت

به منظور شناخت نظر آموزشگران در خصوص بروز خلاقیت از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که حدود نیمی از آموزشگران (۴۸/۸ درصد)، معتقدند که با توجه به مدل یادگیری خود راهبر موارد مطرح شده در حد متوسط در بروز خلاقیت نقش دارند. همچنین، اولویت بندی گویه ها نشان می دهد عامل خلق کسب و کارهای جدید، با ضریب تغییرات ۰/۲۵۰ در اولویت اول قرار دارد (جدول ۶).

جدول ۶. اولویت‌بندی دیدگاه آموزشگران در خصوص بروز خلاقیت

اولویت	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	خلق کسب‌وکارهای جدید	۴/۰۷	۱/۰۲	۰/۲۵۰
۲	شناسایی قوت و ضعف کسب‌وکارهای موجود	۳/۹۵	۱/۱۰	۰/۲۷۸
۳	ارائه راهکارهای بهبود تولید	۳/۷۹	۱/۰۶	۰/۲۷۹
۴	داشتن قدرت ابتکار و نوآوری	۳/۵۸	۱/۰۸	۰/۳۰۱
۵	استفاده از دانش و آموخته‌های قبلی	۳/۶۸	۱/۱۶	۰/۳۱۵
۶	تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها	۳/۸۶	۱/۳۴	۰/۳۴۷
۷	توانایی تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی فعالیت‌های یادگیری به شکل مستقل	۳/۷۲	۱/۳۰	۰/۳۴۹
طیف ارزیابی: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد				

نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق و توسعه کارآفرینی از دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی

داده‌های تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل ایجاد اشتغال، استمرار و پایداری اشتغال، ایجاد انگیزه، سن و توسعه کارآفرینی مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۹۹ وجود دارد (sig ۰/۰۰۰ =) و مقدار آن برابر (۰/۷۷۱ = r) می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه هر کدام از موارد بالا در کارکنان بیشتر باشد توسعه کارآفرینی بیشتر صورت خواهد پذیرفت.

داده‌های تحقیق حاکی از آن است که بین بروز خلاقیت و توسعه کارآفرینی مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد (sig ۰/۰۲۵ =) و مقدار آن برابر (۰/۱۹۸ = r) می‌باشد. همچنین، داده‌های تحقیق حاکی از آن است که بین ایجاد اعتماد به نفس، سابقه کار و توسعه کارآفرینی مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۷).

جدول ۷. همبستگی بین متغیرهای تحقیق با توسعه کارآفرینی

ردیف	متغیرهای اول	متغیر دوم	نوع ضریب همبستگی	R	P
۱	ایجاد اشتغال	توسعه کارآفرینی	پیرسون	۰/۷۷۱**	۰/۰۰۰
۲	استمرار و پایداری اشتغال		پیرسون	۰/۵۲۱**	۰/۰۰۰
۳	ایجاد انگیزه		پیرسون	۰/۳۰۳**	۰/۰۰۱
۴	ایجاد اعتماد به نفس		پیرسون	۰/۰۷۷	۰/۴۱۰
۵	بروز خلاقیت		پیرسون	۰/۱۹۸*	۰/۰۲۵
۶	سن		پیرسون	-۰/۳۷۲**	۰/۰۰۰
۷	سابقه کار		پیرسون	-۰/۰۸۳	۰/۳۶۲
معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ معنی‌داری در سطح ۰/۹۹					

تعیین عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی

نتایج رگرسیون چندگانه به صورت گام به گام نشان می‌دهد که متغیرهای ایجاد اشتغال (X_۱)، بروز خلاقیت (X_۵)، در دو مرحله به ترتیب وارد معادله گردید که این بدان مفهوم است که متغیرهای مزبور بیشترین تأثیر را در توسعه کارآفرینی مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی داشته است و ضریب همبستگی برابر R = ۰/۷۸۸ و ضریب تعیین برابر R^۲ = ۰/۶۲۱ و نیز ضریب تعیین تعدیل شده برابر R^۲Adj = ۰/۶۱۳ محاسبه گردیده است، همچنین مقدار F حاصل از تجزیه واریانس برابر F = ۷۲/۲۳۵ و سطح معنی‌داری آن برابر p = ۰/۰۰۰ که در سطح کمتر از یک هزارم معنی‌دار می‌باشد. لذا بر اساس یافته‌های موجود متغیرهای ایجاد اشتغال و بروز خلاقیت درصد ۶۱/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را باعث شده‌اند (جدول ۸ و ۹).

۸. مراحل مختلف ورود متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیونی

Std	R ² Adj	R ²	R	متغیر	مراحل
۰/۵۲۴	۰/۵۱۰	۰/۵۱۵	۰/۷۱۸	ایجاد اشتغالی X _۱	۱
۰/۴۶۶	۰/۶۱۳	۰/۶۲۱	۰/۷۸۸	بروز خلاقیت X _۵	۳

جدول ۹. ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

Sig.	T	Beta	اشتباه استاندارد B	B	متغیر
۰/۰۰۰	۱۱/۳۳۹	۰/۷۳۹	۰/۰۱۳	۰/۱۵۱	ایجاد اشتغال X _۱
۰/۰۰۰	۴/۹۷۵	۰/۳۲۷	۰/۰۱۰	۰/۰۴۸	بروز خلاقیت X _۵
-	-	-	۰/۴۶۹	۱/۳۸۴	عدد ثابت

با توجه به معادله خط رگرسیون $Y=a+b_1x_1+b_2x_2+\dots$ معادله به شرح زیر می‌باشد:

برحسب β :

$$Y=۰/۷۳۹ x + ۰/۳۲۷ x$$

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، از دیدگاه آموزشگران مراکز علمی کاربردی استان آذربایجان غربی، متغیر ایجاد اشتغال مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی می‌باشد به طوری که این متغیر به تنهایی حدود ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه کارآفرینی) را تبیین نموده است. هر چه شناخت فرد از توانایی‌ها و ضعف‌های خود بیشتر باشد توسعه کارآفرینی بهتر صورت می‌گیرد، چراکه فرد با نقاط مثبت و منفی خود آشنا شده و در نتیجه به سهولت می‌تواند در زمینه کارآفرینی اقدام نمایند. آشنایی با چگونگی جلوگیری از بی‌نظمی، توانایی تجزیه و تحلیل موقعیت‌های خویش و تسلط بر محیط خارجی و منابع قابل دسترس از دیگر عواملی می‌باشند که در توسعه کارآفرینی نقش دارند. اگر افراد بتوانند طرح تجارت مناسب را پایه‌ریزی نمایند در فعالیت خویش موفق خواهند بود. یکی دیگر از مواد مهم توانایی تأمین منابع مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار و آشنایی با مقررات کسب‌وکار و تجارت و برخوردار از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و داشتن اطلاعات فنی و مهارت‌های مورد نیاز است. اگر افراد از دانش فنی حرفه‌ای کافی برخوردار باشند در امر کارآفرینی موفق‌تر عمل خواهند کرد. این یافته در راستای نتایج حاصل از تحقیق خسروی پور و همکاران (۱۳۸۶) می‌باشد.

در گام دوم با اضافه شدن بروز خلاقیت مشخص می‌شود که دو متغیر ایجاد اشتغال و بروز خلاقیت، ۶۱/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (توسعه کارآفرینی) را تبیین نموده است. بر این اساس، استفاده از دانش و آموخته‌های قبلی در توانمندسازی افراد جهت راه‌اندازی کسب‌وکار جدید بسیار مفید خواهد بود. داشتن قدرت ابتکار و نوآوری، خلق کسب‌وکارهای جدید، شناسایی قوت و ضعف کسب‌وکارهای موجود و تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها می‌تواند در بروز خلاقیت مهم باشد زیرا با شناسایی نقاط ضعف و قوت می‌شود از موانعی که بر سر راه توسعه کارآفرینی وجود دارد جلوگیری به عمل آورد. این یافته در راستای نتایج حاصل از تحقیق عبدالهی عدلی انصار و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد:

- به منظور تأمین منابع مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار، وام‌هایی با بازپرداخت طولانی‌مدت و پرداخت اولین قسط حداقل بعد از یک سال کاربرد امکانات به کارآفرینان داده شود. همچنین گروه‌های پس‌انداز خودگردان برای تأمین بخشی از نیازهای مالی پروژه‌های کارآفرینی تشکیل گردد تا فارغ‌التحصیلانی که مشکل مالی دارند و تمایل دارند به فعالیت بپردازند بدون دغدغه به فعالیت خویش ادامه دهند.
- سیستم‌های اعتباری کوچک به منظور ارائه تسهیلات به کارآفرینان مانند تأسیس بانک هم می‌تواند زمینه پیشرفت و موفقیت کارآفرینان را موجب گردد.

با توجه به نتایج حاصل از اولویت‌بندی استمرار و پایداری اشتغال نیز پیشنهاد می‌گردد:

- آموزشگران تمرکز بیشتری بروی استراتژی‌هایی که انگیزه ذاتی فراگیران را تحریک می‌کند، داشته باشند. برای این منظور آموزشگران می‌توانند بر روی توسعه برنامه‌های آموزشی و محتوای یادگیری که سازگار با علاقه دانشجویان باشد، تمرکز

۵. رئیسی، د.، و حمیدی زاده، م. ر. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر انواع یادگیری مدیران بر استقرار و پایداری مدیریت کیفیت جامع. هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت، تهران.

۶. حسینی، س. م.، حسینی، س. ف.، و سلیمان پور، م. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره ۲. شماره ۳، صفحات ۲۶۸-۲۵۹.

۷. شهبازی، ا.، و علی بیگی، ح. (۱۳۸۵). تحلیل توقعات و انتظارات مدیران و کارفرمایان بخش کشاورزی از دانش‌آموختگان سطوح مختلف نظام آموزش کشاورزی. همایش شناسایی توانمندی‌ها، موانع و راه‌کارهای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، دانشگاه آزاد مشهد.

۸. ملک پور، ع.، و علی احمدی، ا. (۱۳۹۰). شهر و تکاپوی کارآفرینی (زمینه‌ها، موانع، راهکارها و فرصت‌های توسعه کارآفرینی). انتشارات جامعه و فرهنگ، تهران.

۹. نادی، م. ع.، و سجادیان، ا. (۱۳۸۵). هنجاریابی مقیاس سنجش خود راهبری در یادگیری، در مورد دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر اصفهان. نوآوری‌های آموزشی، سال ۵، شماره ۱۸، صفحات ۱۳۴-۱۱۱.

۱۰. یداللهی فارسی، ج.، زالی، م. ر.، و باقری فرد، س. م. ن. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل ساختاری مؤثر بر توسعه کارآفرینی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه جامع علمی کاربردی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، جلد ۴، شماره ۱، صفحات ۳۲-۱۷.

۱۱. عبداللهی عدلی انصار، و، فتحی آذر، ا.، و علائی، پ. (۱۳۸۹). نقش آمادگی برای یادگیری خود راهبر و نگرش تفکر انتقادی در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، سال ۵، شماره ۱۷، صفحات ۱۰۵-۸۵.

۱۲. یوسفی، ع.، و گردان شکن، م. (۱۳۸۹). مروری بر توسعه یادگیری خود راهبر. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی (ویژه‌نامه توسعه آموزش)، شماره ۱۰، جلد ۵، صفحات ۷۸۳-۷۷۶.

13. Bembentuy, H. (2008). Self- Regulation of Learning and Academic Delay of Grafication: Gender and Ethnic Difference among College students. Journal of advanced academics, 18(4), 586616-.

14. Cheng, J. T., Tracy, J. L., & Henrich, J. (2010). Pride, personality, and the evolutionary foundations of human social status. Evolution and Human Behavior, 31, 334347-.

15. Fisher, M., King, J., & Tague, G. (2001). Development of a self-directed learning readiness scale for nursing education. Nurse Education Today, 21, 516-525.

16. Gallowy, L., Anderson, M., Brown, W., & Wilson, L. (2005). Enterprise skills for the economy. Education & Training, 47(1), 717-.

داشته باشند. همچنین وجود یک رابطه مثبت بین اساتید و دانشجویان می‌تواند دانشجویان را تحریک کند تا بهتر یاد بگیرند.

- توصیه می‌شود که اساتید برنامه‌های آموزشی خود را به‌گونه‌ای طراحی کنند تا دانشجویان به سمت رویکرد یادگیری عمیق حرکت کنند و آموزش‌های خود را به نحوی کنترل نمایند که فراگیران را بیشتر در امر آموزش دخیل کنند و تأثیرات مثبت یادگیری عمیق را به آن‌ها گوشزد نمایند.

- آموزشگران با آموزش‌های صحیح می‌توانند نگرانی دانشجویان را از شکست در راه‌اندازی یک کسب‌وکار از بین برند تا فارغ‌التحصیلان با اعتمادبه‌نفس در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار اقدام نمایند.

- اساتید می‌توانند نقش یک پشتیبان و حامی را برای دانشجویان ایفا کنند و دانشجویانی که برای یادگیری تلاش می‌کنند را مورد تقدیر قرار دهند تا حس خودمختاری و استقلال‌طلبی در آنان افزایش یابد.

با توجه به نتایج حاصل از اولویت‌بندی بروز خلاقیت پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به اینکه فن‌آوری رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان آمادگی یادگیری خود راهبر دارد، پیشنهاد می‌شود، دانشگاه یک سامانه آموزشی ایجاد کند تا به‌وسیله آن دانشجویان و اساتید بتوانند از راه دور با یکدیگر در ارتباط باشند. همچنین مرکز اینترنت دانشگاه گسترش یابد تا این امکان را برای دانشجویان فراهم کند تا بتوانند زمان بیشتری را در این مراکز بگذرانند.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، ح.، حسینی، س. ج.، و امیدی نجف‌آبادی، م. (۱۳۸۸). شناسایی برخی عوامل همبسته با ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. مجله رهبری و مدیریت، سال ۳، شماره ۳، صفحات ۲۴-۹.

۲. اسکندری، ف. (۱۳۸۵). بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. رساله دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی کرج، دانشگاه تهران.

۳. خسروی پور، ب. (۱۳۸۷). واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی در ایران. رساله دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران.

۴. خسروی پور، ب.، ایروانی، ه.، حسینی، م. ج.، و موحد محمدی، ح. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی. مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۲-۳۸، شماره ۲، صفحات ۲۱۸-۲۰۷.

17. Hsu, Y. C., & Shiue, Y. M. (2005). The effect of self-directed learning readiness on achievement comparing face-to-face and two-way distance learning instruction. *International Journal of Instructional Media*, 32 (2), 143-155.
18. Pao, N.C., & Wei, F.C. (2008). Exploratory Study of the Relationship between Self-Directed Learning and Academic Performance in a Web-Based Learning Environment, *Journal of Distance Learning Administration*, 6(1).
19. Newman, M. (2011). Natural variation in ENSO flavors. *Geophysical research letters*. 38(14), 17-.
20. Williamson, S.N. (2007). Development of a self-rating scale of self-directed learning. *Nurse researcher*, 14(2), 66- 83.